

**نویسنده :** شنی کیونن (Shane Quinn)  
**منبع و تاریخ نشر :** گلوبال ریسرچ «10-12-2018»  
**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## جنبش واسکت زرد پوشان شاخص دیگری آزادی از توهم یا محکومیت توده ها

*The yellow vests movement : another indicator of  
disillusionment of mass*

*خشم مردم فرانسه ناشی از خطاها و اشتباهات ماکرون*

*Macron has committed a series of errors provoking the wrath  
of the French people*



جنبش واسکت زردپوشها که در آواخر ماه می سال (2018) در فرانسه ایجاد و مستقر شد که اکنون این جنبش به سایر مناطق اروپایی و حتی تاجایی هم به کشورهای محاصره شده ای خاورمیانه و عراق نیز گسترش یافته است. کمپین که منحصرأً بوسیله تکنیک های رسانه های اجتماعی و با سهمگیری هزاران نفر پیش برده میشود خود نشانه نگر یکی دیگر از ادیاد اعراض و علایم انزوای از جمعیت انبوه است .

ورود ویا مقدم سازمانهای همچو مثل همین واسکت زرد پوش ها عمدتاً به دلیل حمله های اولی نیولیبرال ها است که دولت ها به شهروندان معمولی خود تحمیل میکنند. که مردم همانند سایر کشورهای قبلی احساس ناخوش آیند و نگران کننده ای از آن دارند. و در عین حال نفوس یک درصد کوچک جامعه که اکنون در رده بالای از جامعه قرار دارند تا آنجا بیکه تصور میشود بصورت غیربایرکردنی ثروتمندتر و قدرتمندتر شده اند.

نهادها و موسساتی امریکایی که در پانزدهمین جنگ دوم جهانی تا سپس شده اند مانند صندوق بین المللی پول (IMF) و بانک جهانی راه را برای تحمیل سیاست های مخرب که موجب گسترش دولت های مزدور و افزایش مناسبات مالی شده اند منجر شده است. نفوس ویا جمعیت عمومی ویا عامه مردم محضاً بعنوان ناظر و سیل بینان عادی محدود شده اند که تنها آنها را در روزهای انتخابات بخاطر رای دادن و بمنظور نجات آنها که زمانی مسؤل و موجب سقوط ناگهانی سیستم بانکی میشوند فرا میخوانند.

با اینحال، گاهی اوقات فراموش میشود از اینکه عموم مردم دارای قدرت زیادی هستند و شهروندان هرکشور قبل از اینکه آنها را به خیا بانها کشانند ویا فرا بخوانند دارای یک نقطه ای شکست هستند، فرانسه با سابقه جنگ های طولانی مدنی حاوی فعالیت های وسیع و گسترده ای بوده است. که برای دهه های چندی ترس خدا ناشناسی را در دل و ضمیر رهبران کشورشان وقتاً فوقتاً قرار داده اند. و این بعید هم نیست که رئیس جمهور امانوئل ماکرون از تاریخ ماه می سال (2018) یعنی از تاریخ ایجاد و ظهور این نهاد واسکت زرد پوشان به هراس نیافتاده باشد ویا آرامش اش را بخصوص در این روزهای اخیر از دست نداده باشد ویا این رعب و ترس را تجربه نکرده باشد.

ماکرون تا بحال یعنی در زمان کوتاه از اسکان خود به این مقام به اثبات موقوف نامعتبر خود در مقابل چالش ها نقش کافی و همه جانبه را بسر نرسانده ویا انجام نداده است. تا جاییکه فیصدی محبوبیت و پذیرش اش در سطح جامعه فرانسه (30) درصد رکورد شده است. البته که رهبران بی شماری در طول چندین دهه ها از راه دفتر و مقام خود توانسته اند که تسهیلات چندی را بخاطر رسیدن به آرزوها و خواهشات موقتی مثل موقف بهتر سیاسی، سودجویی شخصی، شکوه و جلال و عظمت شان با تلاشهای مزبوحانه چندی فراهم کرده اند، کرکترها و شخصیت های همانند این ها به کوتاه مدت و نزدیک بینی مواجه میشوند.

یک رهبری که کنترول دولت را بعنوان مشق و تمرین بخاطر ارتقا و غرور خود بدست میگیرد، تقریباً مسلم است که در تاریخ قتل عام اتفاق می افتد. ماکرون ممکن است کسی دیگری باشد یعنی یک کسی کم تجربه که خطاها و اشتباهات اش او را در یک موقعیت

روبرو قرار میدهد که اکنون همین خطاها موجب آسیب پذیری موقف و موقعیت اش شده است و آنهم بویژه در یک کشور قدرتمند و پرشور مانند فرانسه .

شهرت **امانوئل ماکرون** بعنوان یک رییس جمهور برای ثروتمندان بدون پایه و اساس هم نیست. او خود که از جمله ملیونرها و ملیاردرها است و پیوسته زمینه ای گسترده ای را در بخش سرمایه گذاری با نکی مساعد میسازد، **ماکرون** بدنبال پیاده کردن و تحقق بخشیدن اصلاحات و سیاست های است که به نفع طبقات ثروتمند جا معه باشد. و اکثر کارگران و مردم فرانسه را متضرر سازد که در این جمله از مردم ویا درگروه های آسیب پذیر جامعه، ظهور گروه های مانند جنبش جلیقه های زرد نیز شامل میا شد.

برخی از این اعتراض کننده ها قربانیان ( فرزندان قربانیان ) در رابطه با سیاست های قتل عام برنامه ریزی شده نیز شامل اند -البته که بین سالهای (1954) و (1962) فرانسه و نیروهای مزدور فرانسه حد اقل یک ملیون شهروند الجزایر را در طول یک دوره جنگ استعماری در شمال افریقا بقتل رساندند و برای فرار از جرم و جنایات صدها هزار نفر از الجزایری ها راه ورود بخاک فرانسه را گرفتند که در اینجا آنها بعنوان شهروند دوم شناخته شده اند و بشکل مجازی تحت درمان و واریسی قرار میگیرند و اقیعتی که تا همین اکنون دوام دارد .

### **شورش واسکت زرد پوشان فرانسه ، موجب مخالفت تند و خشم آلود مخالفین سیاسی در فرانسه ناشی از افزایش نرخ مالیه در قیمت مواد سوخت توسط امانوئل ماکرون.**

گرچه که جنبش جلیقه زردها بگونه آشکار رهبری ندارد اما یک شخصیت والا و برجسته تیری پاول وایت ( Thiery Paul Vallette ) نویسنده ، هنرمند و فعال است و چنین به



Thiery Paul Vallette



Jaclin Mouraud



Jean-Luc Mélenchon

نظر میرسد که او یک شخصیت دلسوز در ضدیت به ویرانی و صدمه دیدن ( فرانسه تسلیم نا پذیر ) ویا اضمحلال فرانسه و دور از حزب چپ که توسط سیاستمدار

سوسیا لیست با تجربه ژان لوک میلانکون (Jean Luc Melenchon) تا سپس شده است میا شد.

**جا کلین موراد (Jaclin Mourad)** موسیقیدان و هیپنوتراپیست (51) ساله رامیتوان از زمره موسسان و ایجا دگران واسکت زرد پوشان به حساب آورد اگرچه که اکنون او خود را از این جنبش دورنگاه داشته است که این خود ماهیت قابل تعویض آن را آشکار میکند و چنین ادعا میکند که او از سوی مقامات مسول امنیتی به مرگ تهدید شده است بویژه بعد از آنکه او اصرار داشت که جنبش با مقامات دولت فرانسه به گفتگو بپردازد. یکی از معروفترین چهره های از این جنبش جلیقه های زرد پوش ایریک دراویت فعال (33) ساله راننده یک کامیون است که او آرزوی کنترل یک روزه فرانسه را دارد



**ایریک دراویت (Eric Drouet)**

دراویت همچنین مشخص کرده که او همچنین ضرورت آن را می بیند که به سوی کاخ ریاست جمهوری فرانسه بحرکت بیا فتد و به محل اقامت ویادفتر ( Priscillia Ludosky) رسمی **ماکرون** برود و همچنین یکی دیگر از اعضای برجسته و پیشتاز این جنبش جلیقه پوشان زرد به عمر (33) سالگی یک زن کارا فرین و سخنگوی این جنبش است.

همانطور که میتوان انتظار داشت که هر جنبش مردمی شبیهه این جنبش جلیقه پوشان زرد از سوی مقامات دولت مورد تهدید قرار میگیرد ، این جنبش نیز به شدت تمام تا سطح ارباب و سرکوب مورد تهدید قرار دارد. و در حال حاضر دولت ادعا میکند که این جنبش بشکل غیر قانونی تظاهرات کنونی را براه انداخته است که باید تحت بررسی قانونی قرار گیرد چونکه بنا به گفته ای مقامات دولتی شخصیت های برجسته

این جنبش در مقابل سیاست‌های نیولیبرالی و نخبه‌گرایی بی‌اعتنایی می‌کنند، یعنی در واقعیت امر بقسم جمله معترضه نیولیبرالی‌های که در جوامع آسیب‌پذیر مثل فرانسه به بهره‌برداری ویا استثمار توده‌های وسیع مصروف‌اند.

مراکز دیگر قدرت مانند رسانه‌های اصلی نیز اعضای این جنبش را دچار رنج و وحشت کرده‌اند. از اینکه این رسانه‌ها ادعا می‌کنند که اعضای برجسته این جنبش توسط عناصر «رادیکال» و افراط‌گرایان به سرقت برده شده‌اند ویا در ارتباط با افراط‌گرایان‌اند حالانکه جنبش در واقع شامل افرادی با داشتن سوابق و سن و سال مختلف، گروه‌های‌اند که نشانه‌های کمی از ارتباط مستقیم‌شان با هر حزب، سازمان و اتحادیه‌های کارگری دارد. و در عین حال پس از همه فرانسه خود یک کشور مشتمل از ملیت‌های متنوع است که نفوس کشور را این ملیت‌های گوناگون قومی و فرهنگی تشکیل داده است. همان‌طور که با جمع‌آوری ویا دستگیری معترضان معترض تعداد کمی از این معترضان‌اند که خلاف ادعای مقامات مسول دولتی دست‌بغا رت ویا خرابکاری در هنگام تظاهر زده‌باشند دال بر این حقیقت که حضور گسترده قوی‌ترین و بیدارترین پولیس و محافظان دولت را که در صحنه نیر حضور گسترده داشتند نباید نادیده گرفت چونکه اینها به دستگیری صدها نفر از اعتصاب‌کننده‌ها پرداختند تا جایکه با استقاده از بکار بردن گاز اشک‌آور و موترهای آب‌پاش و تا حدی هم از بکار بردن فیر گلوله‌های رابری دریغ نکردند.

یک نیروی محرکه ویا یک انگیزه قوی در عقب این تظاهرات همانا افزونی قابل توجه هزینه‌های سوخت **مانویل ماکرون** در یک تلاش پیشنهادی برای مقابله با انتشار کاربن و پولوشن بود که در انجام این کار، میلیون‌ها رانندگان فرانسوی باید مجبور به پرداخت بیش از حد قیمت سوخت میشدند، پس این چنین خط‌مشها و تصمیم‌گیریها با در نظر داشت قضاوت سالم و نا درست است که **مانویل ماکرون** مرتکب این چنین خطاها ویا اشتباهات شد از اینکه **ماکرون** باید عرصه‌های دیگر را مورد هدف اصلاحی خود قرار میداد به مجازات عامه ویا عموم مردم پرداخت و سرانجام مجبور شد که از ستراتیژی خود عقب‌نشینی کند که این خود نشانه‌ای از فشا رت است که او در تحت تاثیر فعالیت گسترده قرار گرفته است که مجبور به عقب‌نشینی شد.

این بهتر بود که رهبر فرانسه برنامه‌های اصلاحی خود را بگونه عاقلانه‌تر برنامه‌ریزی میکرد و بخصوص در ارتباط به عدم آلودگی محیط زیست بهتر بود که به جای خودروها ویا موترهای پترولی و دیزلی خودروهای الکتریکی را مروج میساخت یعنی از (33) میلیون خودروهای موجود در فرانسه کمتر از (100) هزار نفر از خودروهای نوع الکتریکی استفاده می‌کنند.

افزون بر آن **ماکرون** بویژه سیاست ویا اقدامات ریاضت زده خطرناک را دنبال میکند و آن اینکه در جاهای دیگر به افزایش گروه‌های عقبمانده در سراسر اروپا امریکای

جنوبی و غیره مبادرت میورزدویا به کار و فعالیت خود ادامه میدهد و آنها را بعنوان چپگرایان چپ عنوان میکند، **ماکرون** همچنان بدنبال کاهش و تقلیل مالیات به نفع ثروتمندان در یک کشور با داشتن هزینه های بالای زندگی، و حد اقل دستمزد و با نرخ بیکاری تقریباً (20) درصد جوانان، به فعالیتهای روزانه اش مصروف است که در کنار این همه نابسامانی ها حسب راپورهای احصایوی همین اکنون در فرانسه در حدود دوملیون انسان واجد شرایط کار بیکار هستند.

در همین حال **دونالد ترامپ** ریس جمهور امریکا به ارتباط اعتراضات و تظاهرات جنبش جلیقه های زرد پوش با سخنان زشت و تند و بخاطر بکاربرد ابزار سیاسی خود با ملامتی این خیزش را به توافقنامه و به پیمان اقلیمی سال (2015) پاریس گذاشت و در عین حال بشکل معجزه آسا از مارش کننده ها در فرانسه ستایش بعمل آورد. و او یعنی ترامپ خودخویشتن رامهندس سیاست های زیست محیطی مضر از وقتیکه نزدیک به دو سال به دفتر کار خود وارد میشود میداند، رهبر امریکا مطمئناً در مبارزات همتای فرانسوی خود میگوید کسی که او را در بالاترین عزت نفس نگذاشته است.

در حالی که خیره نگاه کردن دونالد ترامپ میتواند او را اطمینان خاطر دهد که روسای اتحادیه اروپا با چشمان غیر قابل دید و درک عقب او ویا بدنبال او هستند - اتحادیه اروپا که مقعرو یا دفتر مرکزی آن در پاریس بلژیک یعنی در بروکسل است شاهد اعتراضات جنبش جلیقه های زرد پوشان در این کشور نیز بودند، **جین کلود جونکر** (Jean Claude Juncker) ریس کمیسیون اروپا در هفته ای گذشته انتظار داشت که به مجلس ملی فرانسه به سولات چندی پاسخ دهد ولی سفر او به پاریس به دلیل راهپیمایی های جنبش جلیقه پوشان زرد لغوه شد هما نطوریکه یک جلسه ای جداگانه که قرار بود با **ماکرون** صورت گیرد، صورت نگرفت.

بر اساس نظرسنجی های اخیر چنین معلوم شده است که (70) درصد از مردم فرانسه از مبارزان جنبش جلیقه های زرد پوشان حمایت شان را نشان داده اند و این حمایت نشاندهنده آن است که اگر این حرکت ویا این جنبش بکار و فعالیت های خود در آینده نیز ادامه دهد در آن صورت میتوان گفت که تعداد بیشتر مردم را بدنبال خود خواهند کشاند. چالش ویا مسابقه خوب برای این سازمان ویا سازمان های اعتراضی این است که این سازمانها فعالیت های خود را باید چگونه پیوسته در آینده ها نیز ادامه دهند که با این ترتیب میتوانند به اهداف و امتیازات خود هر چه بیشتر نایل آیند.

این روند به تلاش های فداکارانه و مبارزه عظیمی نیاز دارد که میتوان همچو فداکاری ها را به ندرت مشاهده کرد چونکه صعود بالای کوه بلند گام بگام و با حوصله و به شکل تندی صورت میگیرد.

البته که با بکارگیری ویا با استفاده از پیگیری به تظاهرات برای یک دوره از هفته ویا ماه و بعد از آن ناراضی و دلسردی ویا با بی حوصلگی سلاح مبارزه را به زمین

گذاشتن آن چنان مشاهداتی بود که جنبش های سازمان یافته از ناامیدی رنج فراوان را متحمل شده اند و از کنار جاده افتانده اند. بویژه زمانی که با موانع در ظاهر غیر قابل تحمل مواجه شده اند.

**چند سطر در مورد نویسندگان این مقاله :** شین کویین مدرک دفاعی روزنامه نگاری را به دست آورده است. او در درجه اول علاقه مند به نوشتن موارد خارجی است، و بخصوص که از نویسندگان مانند نوام چامسکی الهام گرفته است. او مشارکت مکرر در تحقیقات جهانی نیز دارد.

----- **با تقدیم سلامها «2018-12-13»**